



در گفت و گو با "انتخاب":

هوشنگ امیراحمدی: نگفتم جمهوری اسلامی، دیکتاتوری است/ مشایبی در سفر به آمریکا، آهسته آمد و آهسته رفت که گربه شاخش نزند

کاش VOA پارازیت داشت و مردم حرف های مرا نمی شنیدند/ من در آن مصاحبه داشتم از یک فرهنگ سیاسی دیکتاتورساز حرف میزدم فرهنگ سیاسی مامستید و دیکتاتور پرور است. ایرانی دمکرات بسیار نادر است و دولت ها هم از ملت ها حاصل میشوند. ... ضمن اینکه، حکومت جمهوری اسلامی، از همه حکومت های قبلی، جز در چند مورد، دمکراتیک تر بوده است.

کد خبر: ۴۳۰۵۵
تاریخ: ۲۰ مهر ۱۳۹۰ - ۱۴:۴۶

پروفیسور هوشنگ امیراحمدی استاد دانشگاه راتگرز و رییس شورای ایرانیان آمریکا و از حامیان روابط ایران و آمریکا، در گفتگو با خبرنگار سرویس سیاسی پایگاه خبری تحلیلی "انتخاب"، در پاسخ به سئوالی در مورد مصاحبه ی اخیرش با صدای آمریکا و متهم کردن جمهوری اسلامی به دیکتاتوری، گفت: من در آن مصاحبه داشتم از یک فرهنگ سیاسی دیکتاتورساز حرف میزدم فرهنگ سیاسی ما مستبد و دیکتاتور پرور است. ایرانی دمکرات بسیار نادر است و دولت ها هم از ملت ها حاصل میشوند. ... ضمن اینکه، حکومت جمهوری اسلامی، از همه حکومت های قبلی، جز در چند مورد، دمکراتیک تر بوده است.

وی همچنین در این گفتگو، تحلیل خود در مورد سفر اخیر رییس جمهور به نیویورک را بیان میکند و البته دیدارش با مقامات ایرانی در آمریکا را شدیداً تکذیب میکند.

بخش نخست گفتگوی "انتخاب" با امیراحمدی در پی میآید:

انتخاب: نظر شما در مورد سفر اخیر آقای احمدی نژاد و تیم همراهشان به نیویورک چیست؟ به نظر شما این سفر چه نتایجی داشت؟

امیراحمدی: سفر پر حرف و کم سودی بود. مشکل خاصی از ایران و جهان را حل نکرد. دست آورد خاصی هم برای مردم ایران نداشت چون مسائل ملموس آنها مطرح نشد، مثل تحریم های غیر انسانی علیه ملت ایران.

اصلاً معلوم نبود این سفر و حرفها و ملاقاتها چه ربطی به منافع مردم ایران و منافع سرزمین ایران داشت. همچون در گذشته، دولت مردانی آمدند و برای دولت و خودشان بازار گرم کردند و برگشتند.

یک جنبه این سفرهای پر هزینه مقامات ارشد ایرانی به آمریکا که جدا باعث تاسف است، دیدار آنها با افراد عموماً سطح پائین امریکائی است. این امر باعث پائین آمدن ارزش مقامات ایرانی میشود. در واقع این یک تاکتیک ابرقدرتها است که مقامات بالای کشورهای درحال توسعه را به سطح مقامات دست سه و چهار خودشان تقلیل میدهند و از این طریق تسلط خود را تضمین میکنند .



جنبه منفی دیگر این دیدارها این است که مقامات رسمی ایران معمولاً با مقامات غیر رسمی و یا سابق غیر مهم آمریکا به گفتگو می نشینند و توجیه آنها هم این است که جواز گفتگو با مقامات رسمی و یا حتی مقامات سابق سطح بالا را ندارند. خوب اگر اینطور است چه لزومی دارد که با نشستن با مقامات کوچک آمریکائی خودشان را کوچک کنند و باعث سرشکستگی ایران شوند؟

متأسفانه برخی از این افرادی که با مقامات ایرانی ملاقات میکنند از دشمنان قسم خورده ایران و ایرانی هستند و قصدشان از ملاقات با مقامات ایرانی این است که برای خودشان و حرف خودشان اعتبار کسب کنند تا در دشمنی با ایران حتی موثر تر باشند. بعضاً این مقامات ایرانی در سازمانهای سخنرانی میکنند که یا بی اهمیت اند و یا طرفدار تحریمها و حتی براندازی و جنگ هستند...

چرا این مقامات مرتکب چنین خطائی میشوند؟ بخاطر تبلیغ برای خودشان است؟ از ترس دشمنان آمریکا در ایران است؟ دلایل فرهنگی دارد؟ ریشه این خطا حتماً یک دلیل فرهنگی دارد؛ ما ایرانیان معمولاً هم ضد خارجی و هم عاشق خارجی هستیم! اصلاً خارجی را به خودی ترجیح میدهم. اما بنظر من علت اصلی این خطا را باید در جای دیگری جستجو کرد؛ در مرگ تدریجی ملی گرایی حتی از نوع سرزمینی ما. واقعیت این است که در ایران امروز ملیگرایی حتی از نوع سرزمینی آن هم از بین رفته است و پابندی به بومی گرایی اسلامی هم دیگر وجود موثری ندارد.

بی دلیل نیست که وزرا، سفرا و آقازاده های فراری اکثراً راهی غرب، مخصوصاً آمریکا، میشوند و در اینجا هر کاری را میکنند که مقبولیت رسمی پیدا کنند. در غیاب ملی گرایی ایرانی و بومی گرایی اسلامی عده ای سعی کرده اند که وطن پرستی میراثی ما را زنده کنند ولی این گذشته گرایی هرگز نخواهد توانست در دنیای مدرن جانشینی برای ملت گرایی باشد. از این دیدگاه است که من متقاعد شده ام که باید ملت گرایی به معنی محقق کردن منافع مردم و سرزمین هرچه سریعتر در ایران شکل بگیرد چه در غیر اینصورت ما آینده خوبی در پیش نخواهیم داشت.

انتخاب: به نظر شما، سخنان اخیر احمدی نژاد در سازمان ملل، چگونه بود و چه تاثیری بر افکار عمومی جهان و رسانه های دنیا خواهد داشت؟

امیراحمدی: آقای احمدی نژاد همیشه پشت درهای بسته و برای یک عده محدود معمولاً حرف های دقیق تر و مهمتری میزند تا در مجمع عمومی سازمان ملل با یک شنونده چندین میلیونی و جهانی. البته همانطور که ایشان در سخنرانی خود اشاره کردند، نظم موجود جهانی دارای بی عدالتی فراوان است. این نقص حتی از سوی منتقدین غربی هم مرتب گوش زد میشود. اما سخنرانی آقای رئیس جمهور متأسفانه کلی گوئی و بلند پروازی متداول ایرانی را هم به نمایش گذاشت. ... رئیس جمهور خاتمی "گفتگوی تمدنها" را مطرح کرد و میخواست از این طریق به نزدیک کردن و گفتگو میان ملتهای جهان کمک کند در حالیکه ملت ایران درون خودش فاقد گفتگو بود و بیگانه با آشتی ملی، و حالا هم رئیس جمهور احمدی نژاد میخواهد "مدیریت جهانی" را اصلاح کند در حالیکه ما حتی در سطح روستاهای خودمان هم مشکل مدیریتی داریم. البته حرفم این نیست که در رابطه با مسائل جهان نباید حرف بزنیم. ما البته این حق را داریم ولی درست این است که در حد خودمان مسائل را مطرح کنیم و در مورد حل آنها هم کمی واقع بین تر باشیم.

انتخاب: آیا در سفر اخیر دولتی ها به نیویورک، دیداری هم با مقامات ایرانی داشتید؟ مثلاً با آقای احمدی نژاد یا مشایبی، بقایبی یا صالحی دیداری داشتید؟ البته برخی منابع از دیدار آقای مشایبی با حضرتعالی در نیویورک خبر داده اند؟

امیراحمدی: من با هیچ یک از این مقامات محترمی که اسم بردید ملاقات نداشتم. خبر ملاقات من با آقای مشایبی هم کذب محض است. تصادفاً من در یک مصاحبه قبل از اینکه آقای مشایبی به آمریکا برسد، گفته بودم که بهتر است ایشان آهسته بیایند و آهسته بروند که گربه شاخشان نزند. ایشان هم انصافاً همین کار را کردند و جز در مهمانی ایرانیان در جانی ظاهر نشدند. من در آن مهمانی هم نبودم.

انتخاب: جناب آقای امیر احمدی، به نظر شما تفکراتی که این روزها از سوی دولت و شخص آقای رییس جمهور بیان می شود، نظرات ایشان است یا نظرات آقای مشایبی؟

امیراحمدی: من در این باره اطلاع دقیق و یا موثق ندارم. فرض من این است که این دو رفیق و همکار سالها و حالا که وصلت خانوادگی هم دارند حتماً در باره عقایدشان با هم حرف میزنند و مشورت میکنند. این را هم اضافه کنم که آقای مشایبی بنظر میرسد که دوست دارد نظریه پردازی کند و حرفهای جدید و یا بحث انگیز بزند. تصادفاً آقای

احمدی نژاد هم چنین تمایلی دارد. ضمناً آقای احمدی نژاد به هیچ وجه از آقای مشائی در حرف و نظر کمتر نیست. ما بارها و بارها دیده‌ایم که آقای احمدی نژاد فی البداهه نظراتی را مطرح کرده اند که با نظرات آقای مشائی گاه مغایرتهای بنیادی دارند مثل برخورد این دو با اسرائیل و امریکا. یعنی این دو شخصیت ضمن اینکه با هم به گفتگو مینشند و از هم مشورت میگیرند و ازهم حتماً تاثیر میپذیرند ولی در عین حال هم هر یک نظرات خودشان را دارند.

انتخاب: در آخرین مصاحبه ای که از شما از تلویزیون آمریکا پخش شد، شما به صراحت از جمهوری اسلامی با عنوان دیکتاتوری یاد کردید؟ لطفاً توضیح دهید چگونه به این نتیجه رسیدید؟ آیا صرف عدم مصالحه با آمریکا از سوی جمهوری اسلامی، از نظر شما "دیکتاتوری" معنا می شود؟

امیراحمدی: من امیدوار بودم که صدای امریکا در ایران دچار پارازیت باشد و کسی نتواند این حرف را بشنود (شوخی).

انتخاب: یعنی می فرمایید، مردم داخل ایران نامحرم هستند یا به اشتباه خود در این تعبیر اعتراف میکنند؟

هیچ یک از این دو. بحث رابطه با امریکا اصلاً در میان نبود و مورد نظر من هم نبود. واقعیت این است که من داشتم از یک فرهنگ سیاسی دیکتاتورساز حرف میزدم فرهنگ سیاسی ما مستبد و دیکتاتور پرور است. ایرانی دمکرات بسیار نادر است و دولتها هم از ملتها حاصل میشوند .

این را هم توجه بدهم که من از حکومتها حرف زدم و نه از نظامها. و ضمن اینکه، حکومت جمهوری اسلامی، از همه حکومتهای قبلی، جز در چند مورد، دمکراتیک تر بوده است....